

جهت اطلاع:

معجزه در وین اتفاق نخواهد افتاد، در تهران خواهد بود

حسین رفیعی

مرحوم محمد حسنین هیکل، روزنامه نگار مشهور مصری در مقدمه کتابی که در 1981، در مورد انقلاب ایران نوشته و آن را «روایتی که ناگفته ماند» نامید، در سال 1360 و پس از فرار بنی صدر و رجوی به پاریس که 5 ساعت با این دو ملاقات می‌کند می‌نویسد: «به هنگام نوشتن این مطالب (اوت 1981) ظاهراً در مورد چگونگی لزوم توسعه انقلاب در ایران، در غرب سه طرز تفکر عمده وجود دارد:

1- اولین طرز تفکر که شاید بیشتر در اروپا رایج است تا امریکا، می‌گوید که انقلاب همه تیرهایش را از ترکش رها کرده است. براساس این طرز تفکر انتظار می‌رود یک دوره‌ای جنگ داخلی روی دهد. [درگیری رجوی با انقلاب در جریان بود] به دنبال آن یک رژیم جانسپین که احتمالاً از عناصری که در ابتدا با انقلاب همراه بودند، اما بعداً با آیت‌الله خمینی و روحانیون در افتادند، تشکیل می‌گردند. در این رابطه نام ابوالحسن بنی صدر و مسعود رجوی به ویژه از زمان فرار تماشایی آنها در ژوئیه گذشته (1981) از تهران، بیشتر از سایرین شنیده می‌شود... اما به نظر من اشتباه است که آنها را چه به طور جداگانه و چه با یکدیگر، عامل محرک آلترناتیو (جانسپین) رژیم کنونی بدانیم.

2- دومین طرز تفکر موجود در غرب در قابل انقلاب ایران بر این مبنا استوار است که بگذارند کشور در مشکلات خود غوطه‌ور شود. آنهایی که طرفدار این طرز تفکر و دیدگاه هستند... عقیده دارند که در ایران، همانند سایر کشورهای که در آن یک زلزله سیاسی ویران کننده رخ داده است، انقلاب فرزندان خود را خواهد خورد. به نظر آنها، هنگامی که چنین شود، می‌توان از رژیم‌های جانسپین سخن به میان آورد... انجام این عمل چیزی جز ورشکستی سیاسی و خودداری از روبرو شدن با حقایق نیست.

3- سومین طرز تفکر بر تلاش برای بازگرداندن سلطنت استوار می‌باشد... این طرز تفکر چیزی جز یک نوع آرزوی بر باد رفته نیست.»

امروز 40 سال پس از نوشتن این سطور توسط یک روزنامه‌نگار مطلع جهان اسلام، ما گرفتار «دومین طرز تفکر» آن موقع غرب شده‌ای. «بگذارید کشور در مشکلات خود غوطه‌ور شود»، «انقلاب فرزندان خود را خواهد بلعید». یکی از صداها مشکلاتی که در آن «قوطه ور» هستیم، مذاکرات امروز «وین» می‌باشد.

چهل سال پیش، مسئولین قدرتمند تصمیمی گرفتند که حال یا در قید حیات نیستند یا کارهای نیستند و آن تصمیم ما را در قضیه‌ی هسته‌ای به بحران‌های کنونی کشانده است. آن تصمیم چند نفری، بدون نظر مجلس اول و دولت، تولید برق هسته‌ای بود. چیزی که در ایران «زیره به کرمان» و «چغندر به هرات» بود. میلیاردها معادل بشکه نفت و گاز طبیعی برای چند صد سال، انرژی لایزال خورشیدی و بادی، برق هسته‌ای را نه اقتصادی و نه زیست محیطی و نه امنیتی می‌کرد. ولی الان بعد از 40 سال تقلا و 22 سال مذاکره نفس‌گیر با غرب، آن را احتمالاً «ضد امنیتی» کرده و احتمال دارد که امنیت ملی را هدف گرفته است.

مذاکرات کنونی وین مانند مذاکرات 22 سال گذشته، اگر هم به توافقی منجر شود، مانند برجام، هیچ مشکل ریشه‌ای را از ما حل نخواهد کرد و پس از مدتی از جای دیگر سر بر خواهد آورد. «روز از نو روزی از نو» خواهیم داشت.

ناله‌های ما که جانکاه و خطرناک نابود کننده، نسل ما و تمدن ما و فرهنگ ما و شاید هم جغرافیای ما می‌شوند عبارتند از:

1- تحریم‌های متعدد از 4 آبان 1358 تاکنون که نزدیک به 2000 مقوله می‌شوند و تعدادی از آنها بسیار تحقیرآمیز هستند و متعاقب آن؛

2- کاهش درآمد ملی، بیکاری، فقر، فرار مغز و سرمایه و 60 میلیون نفر محتاج یارانه؛

3- نابودی سرمایه اجتماعی، اخلاق فردی و جمعی، بی‌اعتمادی، نا امنی فردی و جمعی، دروغ، تقلب، کلاه برداری و آز و طمع حیوانی؛

4- آسیب‌های اجتماعی عجیب و غریب، فحش‌های گوناگون، دزدی‌های عجیب، قتل‌های ناموسی، کشتارهای فامیلی، فروش اعضای بدن برای امرار معاش، خودسوزی اقشاری از رده‌های نسبتاً بالای جامعه، خشونت‌های نامتعارف، اختلاف طبقاتی وحشتناک؛

5-....

ضرباتی که مرتباً و مکرراً در این 40 سال به خودمان زده‌ایم و بعد نالیده‌ایم عبارتند از:

1- تفکیک مردم به «خودی و غیرخودی» و «متخصص و متعهد» و تخصیص منابع کشور به عمدتاً خودی‌ها و متعهدها؛

2- نقض حقوق شهروندی و حقوق بشر و به حبس و حصر بردن منتقدین؛

3- خصومت با تمدن غربی و ناتوانی از تفکیک تمدن غرب از امپریالیسم غربی و کشف یک راه تعامل با غرب با حفظ اصول؛

4- تشدید اختلاف در جهان اسلام و توهم ایجاد «تمدن اسلامی»؛

5- تولید برق هسته‌ای، علیرغم صدها میلیارد معادل بشکه نفت و گاز طبیعی و انرژی لایزال خورشیدی و بادی در کشور؛  
6- دور زدن تحریم‌ها یعنی گسترش فساد مالی اداری و نابودی منابع عمومی از طریق افزایش هزینه‌های تجاری، حمل و نقل، بیمه‌ها و ایجاد گروه‌های مفسد دلال واسطه.  
7-....

و امروز در کجای این کره خاکی ایستاده‌ایم؟

1- ده‌ها تریلیون دلار از منابع ملی خود را یا از دست داده‌ایم یا عدم نفع داشته‌ایم یا کیسه دوخته شده چین و روسیه را، از روی اجبار، پر از دلار کرده‌ایم و یک طرفه توهم اتحاد استراتژیک با آنها را داریم.

2- مملکت را از نخبگان خالی کرده‌ایم و به آی کی یوهای متوسط کشورهای مهاجرپذیر افزوده‌ایم. ناامیدی، فرار از مام وطن، افسردگی و بی‌انگیزگی را در نسل جوان نهادینه کرده‌ایم.

3- بیش از هر زمان در تاریخ 500 ساله، وابسته به خارج شده‌ایم. خارجیان، هر وقت تصمیم گرفته‌اند، نفت ما را خریده‌اند و هر وقت نخواسته‌اند آن را تحریم کرده‌اند. هر وقت خواسته‌اند ما را تامین کرده‌اند هر وقت نخواسته‌اند ما را در حصر و حسرت گذاشته‌اند. به جای «موازنه منفی» مصدق کبیر و «موازنه عدمی» مدرس شهید، به موازنه مثبت، نگاه به شرق و معاملات پایاپای دوران اقتصاد کشاورزی، آن هم از نوع تصمیم و امکان طرف برتر و نه انتخاب، دچار شده‌ایم.

4- امر توسعه مملکت که پس از انقلاب، امید فراوانی به آن بود و 98/2 درصد مردم به آن رای داده بودند، به دلیل «غوطه ور در مشکلات خود» و «بلعیدن فرزندان انقلاب» عملاً در 43 سال گذشته تعلیق به محال شده و شاخص‌های ملی و بین‌المللی آن نه مخفی شدنی است و نه توجیه کردنی و در تداوم این وضع به کشوری مفلوک خواهیم شد.  
5-....

حال در تهران چه باید کرد؟ و از وین دل برید.

الف- در یک امر شجاعانه همچون اتفاقی که در افریقای جنوبی، ژاپن، آلمان و... که چشم از سلاح هسته‌ای برداشتند و امروز نیروگاه‌های هسته‌ای خود را می‌بندند، اعلام کنیم که برای ما در ایران بنا به مصالح و منافع و امنیت ملی برق هسته‌ای نه اقتصادی است و نه زیست محیطی و لذا غنی سازی نخواهیم کرد .  
این امر همه دشمنان، بدخواهان، بهانه‌گیران و... را خلع سلاح خواهد کرد و موضوع مذاکرات وین خود به خود منتفی خواهد شد. ضرورت توسعه علوم و تکنولوژی هسته‌ای صلح آمیز همچنان به قوت پیش از پیش باقی خواهد ماند.

ب- ایران برای همه ایرانیان را عملیاتی کنیم. یعنی با رعایت حقوق شهروندی و حقوق بشر، آزادی زندانیان سیاسی، صنفی، رسانه‌ای و حقوق بشری و ختم فرآیندهای پرونده‌سازی برای این انسانها. با این عمل، عقل، دانش، خلاقیت، سرمایه و قدرت 85 میلیون نفر به کمک امر توسعه و بهروزی ایرانیان خواهند آمد .  
در فرآیند قدرتمند شدن، استقلال و توسعه تمدن کهن خود قرار خواهیم گرفت و هیچکس نخواهد توانست در مسائل امنیت ملی، قدرت دفاعی و شیوه زندگی ما که با خرد جمعی تعیین خواهند شد دخالت کند. و الا در وین هر قدر مذاکره کنیم و به هر «تفاهم» و «اقدام عملی» که برسیم فرقی با 22 سال گذشته نخواهد کرد و همچنان استخوان تیز لای زخم باقی خواهد ماند و این چیزی است که برخی از جناح‌های غرب و منطقه و برخی جناح‌های حاکم در داخل به دنبال آن هستند. مشغله جذابی برای خیلی‌ها خواهد بود و آنچه از دست می‌رود منافع و مصالح ملی ایران است .

چرا از چینی‌ها، شجاعت چوئن لای و تنگ شیانو پینگ را یاد نمی‌گیریم که گفتند «اگر توسعه چینی می‌خواهیم باید 50 سال به دنبال صلح باشیم» و «قدرت یعنی دانش و نتیجه دانش یعنی اقتصاد پیشرفته، رفع فقر، وحدت ملی و...» و ما چهل سال است که مرتباً تجربه نا موفق داشته‌ایم.

ایران فردا

پوتین چگونه رئیسی را تحقیر کرد؟  
امکان بیان برخی مطالب وجود ندارد اما...

محسن ماندگاری

1 روسیه حاضر به دعوت از آ.رئیسی برای "سفر رسمی" به مسکو نبوده و صرفاً ایشان را برای "سفر کاری" دعوت کرده‌در عرف دیپلماتیک، دیدارهای خارجی رهبران به ترتیب اهمیت، دیدار دولتی (state visit)، دیدار رسمی (official visit) ، دیدار رسمی کاری (official working visit) دیدارکاری (work visit) است.

2 آنطور که سفیر ایران در روسیه گفته سفر آقای رئیسی "سفر کاری" بوده .

خب در سفر کاری پروتکل های تشریفاتی کاهش می یابد و خبری از مراسم استقبال رسمی نیست، نه در ورود به کرملین و نه خروج. پس انتظار اینکه پوتین تا پله های کاخ پایین بیاید و به رسم استقبال از دیگر همتایان خارجی خود ۳. از میهمانش استقبال کند انتظار بجایی نیست چون مسکو قبلا به سفیر ما اعلام کرده که حداکثر در حد «سفر کاری» میزبان آقای رئیسی خواهد بود.

3 اما آقای پوتین حاضر نشده حتی یک عکس یادگاری هم بگیرد، چیزی که در سفرهای کاری و حتی غیررسمی هم متداول است.

4 حتی از خبرنگاران هم برای پوشش دیدار دعوت نکرده اند. تصاویر دیدار دو رئیس جمهور هم فقط دو قطعه عکس از میز کنفرانسی است که دو طرف با فاصله از هم نشسته اند و یک ویدئوی بخشی از مذاکرات که در سایت کرملین منتشر شده.

5 پس از پایان دیدار بیانیه مشترکی صادر نشده و روسای جمهور دو کشور کنفرانس مطبوعاتی هم نداشته اند که البته در دیدارهای کاری، الزامی در برگزاری آن نیست .

6 بدتر آنکه از فرودگاه تا اتاق ملاقات هم هیچ کجا اثری از پرچم جمهوری اسلامی ایران دیده نمی شود.

7 متأسفانه تحمیل پروتکل های تشریفاتی طرف روسی به ج.ا.ا. در سالهای اخیر تازگی ندارد. قبلا نیز پوتین در سفر به تهران برای شرکت در اجلاس سران گازی، پروتکل های خودش را به ایران تحمیل کرده و حتی در حین سفر نیز تابع برنامه های تنظیم شده میزبان نبود!

8 فیلم کوتاه دیدار رئیسی و پوتین نشان می دهد رفتار پوتین اگرچه بجز آدامس جویدنش، چندان خارج از عرف دیپلماتیک نیست اما از موضع بالا با آقای رئیسی گفتگو می کند. گویی آقای ریسی به مسکو فراخوانده شده تا پوتین نکاتی را به ایشان تذکر دهد!

9 آنطور که از اخبار رسمی دفاتر دو رئیس جمهور مشخص است، این سفر هیچ دستاورد مشخصی نداشته و هیچ توافقنامه و قراردادی هم امضا نشده. بیانیه مشترکی هم منتشر نشده. وزیران اقتصاد، نفت و خارجه هم که به مسکو رفته اند صرفاً گفتگوهایی کرده اند و توافقات شفاهی. همین.

10 اگر "عزت" یکی از سه رکن سیاست خارجی ایران است، مقامات وزارت خارجه باید توضیح دهند چرا حاضر به انجام این سفر شده اند در حالی که طرف روس اعلام کرده بوده از آقای ریسی برای سفر رسمی دعوت نمیکند و ایشان صرفاً برای یک سفر کاری می تواند به مسکو برود.

11 بگذریم از اینکه از نگاه برخی دیپلماتها در مسکو، هدف پوتین از ملاقات با آقای ریسی چیز دیگری بوده که اگر صحت داشته باشد، بیان آن در این مطلب، بجز لطمه به غرور ملی ایرانیان ثمر دیگری ندارد!